

فعالیت‌های عمرانی تیموریان در دوره سلطنت شاهرخ میرزا (۱۴۴۷-۱۴۰۵)

مؤلف: پروفسور اسماعیل آکا

مترجم: اکبر صبوری

اشاره

این پژوهش در پی بررسی فعالیت‌های عمرانی انجام شده در عصر تیموریان خاصه در زمان شاهرخ میرزا است. در واقع شاهرخ بعد از خاتمه بخشیدن به بحران پدرش تیمور جان‌شینی، که بعد از مرگ او به وجود آمده بود، و تثبیت اوضاع سیاسی، به فعالیت‌های عمرانی نیز اهتمام ورزید. در این امر خطیر همسران وی **گوهرشاد خاتون و ملکیت آغا** و پسرانش الغ‌بیگ، بایسنقر و ابراهیم نیز شرکت داشتند. علاوه بر این امرای نامداری چون علاءالدوله علیکه گکلتاش و امیر فیروزشاه نیز به تبعیت از ولی نعمت خویش به امر احداث ساختمان‌ها و آبراهه‌ها مشغول شدند.

به‌طور کلی، با کاخ‌ها، مساجد، مدارس، پل‌ها، خانقاه‌ها و رباط‌هایی که در این زمان در شهرهای مختلفی چون سمرقند، هرات و مشهد و شیراز احداث گردید می‌توان تیموریان را آغازگر صنعت معماری اسلامی قلمداد کرد که، از نظر اهل فن، سبک معماری آن‌ها، بر معماری‌های ایرانی از نظر احتشام و عظمت مزیت دارد.

کلیدواژه‌ها: تیموریان، عصر شاهرخ، فعالیت‌های عمرانی، گوهرشاد.

کرت‌ها (۱۳۸۹-۱۲۴۵م/۷۹۲-۶۴۳ ق) احداث شده بود، در عهد شاهرخ مرمت شد آنگاه باغ‌های زاغان از طرف شاهرخ به عنوان امارت حکومتی به کار رفت و باغ سفید نیز در سال ۱۴۱۰م/۸۱۳ ق بازسازی شد و با بعضی الحاقات (ابرو، ج ۱، ص ۴۶۵؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ۱۹۱-۱۹۰)، اقامتگاه بایسنقر میرزا گردید.

امیر فیروز شاه و علیکه ککلتاش، که از سوی شاهرخ مأمور عمران و آبادانی هرات شده بودند، در شمال شهر و در امتداد کانال‌های انجیل و خیابان، برای خودشان عمارات و باغ‌هایی احداث کردند. این فعالیت‌های عمرانی بعداً در زمان سلطان حسین بایقرا نیز ادامه پیدا کرد و علیشیر نوائی هم بناهایی در این محل احداث نمود.

گوک‌سرای (کاخ کبود) بود (بابر، ۱۹۴۳، ج ۲، ص ۴۸)، که آن‌را به‌منظور جای خزانه و یا محل زندانیان و مقصرین ساختند. بنای آرامگاهی که اکنون قبرهای تیمور، میرانشاه، شاهرخ، الغ‌بیگ و محمدسلطان در آن واقع است، در جوار مدرسه‌ای ساخته شده که به دستور تیمور، پس از بازگشت از نبرد آنقره (آنکارا) ساخته شد (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۰).

آبادترین نواحی هرات در دوره تیموری، سرزمین‌های اطراف گازرگاه بود که جغرافی‌نویسان قرن دهم از آن‌ها به‌عنوان سرزمین خالی از سکنه یاد کرده‌اند. باغ‌های زاغان (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۳۳۶؛ اسفزاری، ج ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۴۱؛ خواندمیر، ۱۳۴۵، ص ۲۷) و سفید (هروی، ۱۹۴۴، ص ۷۱۳) که در زمان حکمرانی

تیمور، اگرچه از نظر سفاکیت و خون‌ریزی در سرزمین‌های تحت اشغال خود چیزی کمتر از چنگیز خان نداشت، اما در خلال لشکرکشی‌هایش تا فرصت می‌یافت به فعالیت‌های عمرانی نیز می‌پرداخت. او برای آبادانی شهرها، به‌ویژه توسعه شهر سمرقند- پایتخت خود اهمیت زیادی قایل بود. تیمور هنرمندان و صنعتگرانی را از سرزمین‌های مفتوحه به سمرقند انتقال داد و در حومه این شهر دهکده‌هایی را با نام‌های شهرهای بزرگی چون دمشق، مصر، شیراز، سلطانیه و بغداد بنیان نهاد (ابن عربشاه، ۱۳۳۹، ص ۳۰۸). همچنین در اطراف و حاشیه شهر نیز باغ‌هایی با نام‌های دلگشا، شمال، نقش جهان، چنار و تخت قراچا برای همسران خود ساخت. یکی از بناهای معظمی که به‌دستور تیمور ایجاد گردید،



شاهرخ میرزا

پس از مرگ تیمور، شاهرخ در سال‌های آغازین حکومتش فرصت و مجال کافی برای پرداختن به فعالیت‌های عمرانی نیافت؛ تنها برای تأمین امنیت شهر هرات دستور مرمت قلعه اختیارالدین را صادر کرد (حافظ ابرو، ج ۱، ص ۳۶۵b عبدالرزاق سمرقندی، ۱۰، ۱۳۶۰ و به بعد)؛ و بعد، هنگامی که اوضاع سیاسی به نفع او تغییر یافت، به فعالیت‌های عمرانی نیز اهتمام ورزید. شاهرخ، هنگامی که در سال ۱۴۱۰ م/ ۸۱۳ ق در بادغیس اقامت داشت، فرمان داد، شهر مرو را که از زمان حمله مغول‌ها به ویرانی کشیده شده بود، از نو مرمت و آباد کنند. علاوه بر آن، خواستار انجام فعالیت‌های عمرانی در سرتاسر خاک خراسان شد. پس از آن، و به دستور او راه‌های زیادی احداث گردید، پل‌های جدیدی ساخته شد و پل‌های قدیمی نیز مرمت و بازسازی شدند. در ادامه، برای

تعمیر سد مرو که آب آن از نهر مرغاب تأمین می‌شد و نیز برای عمران و آبادانی خود شهر مرو، امرای نامداری مثل علاءالدوله علیکه ککلتاش، امیر موسی و امیر علی چغانی را به این امر خطیر مأمور کرد و آن‌ها تمامی این کارها را در اندک مدتی به اتمام رسانیدند. در این اقدام، در سال اول، پانصد جفت گاو میش، در امر زراعت به کار گرفته شدند و افرادی از اطراف و اکناف مملکت بدانجا آورده و اسکان داده شدند. شهر با مسجد، بازار، گرمابه، خانقاه، مدرسه و دیگر بقاع خیریه مزین شد، و رونق و شکوه سابق را باز یافت (ابرو، ج ۱، ص ۴۵۲a - ۳۶۵b؛ عبدالرزاق سمرقندی ۱۳۶۰، ص ۱۸۵).

شاهرخ، همچون پدرش تیمور که توجه خاصی به سمرقند داشت، در تمامی ایام سلطنتش، با ساختمان‌هایی که احداث کرد، برای تبدیل شهر هرات به عنوان پایتخت خود تلاش بسیار نمود. بدین سبب، در اوایل سلطنت خود، در

شمال شهر، در دامنه قلعه اختیارالدین دستور به احداث خانقاه و مدرسه‌ای عالی داد که هر دو در سال ۱۴۱۰ م/ ۸۱۳ ق به اتمام رسید (ابرو، برگ ۴۶۵a؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۸۵). پس از آن، از چهار دانشمند معروف به نام‌های یوسف اویهی، یوسف حلاج، عبدالرحیم یاراحمد و لطف‌الله برای تدریس در این مدرسه دعوت کرد. در روز اول جلسه درس نیز، سلطان خودش در مدرسه حاضر شد. مدرسان در موضوعاتی چون فقه و تفسیر به تدریس اشتغال ورزیدند. شاهرخ منصب شیخی خانقاه را به شیخ الاسلام علی چشتی تفویض کرد و دیگر متصدیان و مباشران لازم، چون امام، مدرس، واعظ و... را نیز تعیین نمود زمین‌های زیادی را برای هر دو بنا وقف کرد. (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۸۸ و بعد)؛ در این مدرسه به تدریج امرای نامداری چون جلال‌الدین فیروز شاه و علیکه ککلتاش به همراه علمای هرات نیز

شرکت می‌جستند و در بین آنها مباحث علمی صورت می‌گرفت (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۴، ص ۷).^۴

چنان‌که می‌دانیم شاهرخ دارالشفا یا بیمارستانی در شهر هرات ایجاد کرد (خواندمیر، برگ ۶۵a؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۶).^۵ و بر مزار خواجه عبدالله انصاری (وفات ۱۰۸۸م/۱۴۸۱ق) نیز - که زیارتگاهی واقع در ۲/۵ کیلومتری شمال شرقی هرات بود، آرامگاه بزرگی (در سال ۱۴۲۵م/۱۸۲۹ق) ساخت (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۵۶۲ و به بعد).

گوهرشاد آغا

گوهرشاد آغا همسر شاهرخ که نفوذ فوق‌العاده‌ای در امور دولتی داشت در فعالیت‌های عمرانی نیز شرکت می‌جست. در زمان گشایش مسجد جامع مشهد، که ساخت آن از سوی این خانم به معمار نامدار عصر، استاد قوام‌الدین شیرازی واگذار شد و در سال ۱۴۱۸م/۸۲۱ق به اتمام رسید، شاهرخ و گوهرشاد آغا نیز حضور یافتند و شاهرخ به مرقد امام رضاع، که در جوار مسجد جامع واقع است، قندیلی به وزن ۳۰۰۰ مثقال طلا هدیه کرد. همچنین در شرق مشهد باغ و مهمان‌سرای بنا کرد. گفته می‌شود او در مشهد نیز مدرسه‌ای احداث نمود (ابرو، برگ ۵۴۶a؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۳۷۸ و به بعد).^۶

گوهرشاد، علاوه بر مشهد، در هرات نیز، در سر محله خیابان در کنار نهر انجیل، مسجد جامعی ساخت. خطاطی‌های این مسجد که با دو مناره و با کاشی‌های چینی کبودرنگ منظره زیبایی پدید آورده بود کار خطاط مشهور آن عصر جعفر است، که در نزد فرزندش بایسنقر اشتغال داشت - (سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۲۰).^۷ اما بزرگ‌ترین اثری که به‌دستور گوهرشاد آغا در هرات ساخته شد، مدرسه‌ای است که در کنار

مسجد جامع احداث شد و تاریخ اتمام ساخت آن به سال ۸۳۶م (۱۴۳۷ق) بود (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۶۴۵).

اگرچه از کتیبه سردر مدرسه چنین استنباط می‌شود که احداث مدرسه در سال ۸۲۱ (۱۴۱۸م)، یعنی همزمان با تأسیس مسجد جامع گوهرشاد مشهد شروع شده و در سال ۸۴۱ (۱۴۴۲م) به اتمام رسیده است (سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۱۷).^۸ هنگامی که خواندمیر به تألیف آثار خویش مشغول بود، همان‌طور که وی تدریس چهار نفر را در این مدرسه بیان می‌کند (اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۷؛ علیشیر نوایی، ۱۳۲۳، ص ۹۲-۹۱)،^۹ بابر نیز می‌گوید که در سال ۹۱۲م (۱۵۰۶-۷ق) از این محل دیدن کرده است (ص ۲۱۰). در آثاری که محققان انگلیسی و فرانسوی در یکصد سال اخیر تألیف نموده‌اند با شگفتی از تزئینات و ظرافت‌های مسجد جامع و مدرسه گوهرشاد یاد کرده‌اند.

متأسفانه این آثار اینک موجود نمی‌باشند زیرا عبدالرحمن خان امیر افغانستان، با تصور تقویت قدرت دفاعی خویش در برابر حمله روس‌ها به هرات دستور تخریب آنها را صادر کرد؛ لذا تنها مناره‌ها و چند آرامگاه به همان وضع باقی مانده است (طوغان، ۱۹۷۵، ص ۴۳۶؛ بارتولد، ۱۳۰۸، ص ۱۱۰).^{۱۰}

گوهرشاد آغا در شمال آن مدرسه، ساختمان دیگری بنا کرد که بعداً شخصیت‌هایی از جمله بایسنقر فرزند شاهرخ (سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۶۴۵)^{۱۱} و عایشه سلطان دختر بایسنقر (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ۷۶۱-۷۶۲a، ۷۶۱-۷۶۲a)^{۱۲}، شاهرخ میرزا (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۸۹۲)^{۱۳} سلطان محمد پسر بایسنقر (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ۱۰۳۲؛ خواندمیر،

۱۳۳۳، ج ۴، ص ۴۶) گوهرشاد خاتون،^{۱۴} علاءالدوله پسر بایسنقر (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۲۴۹؛ خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳، ص ۸۰) ابراهیم فرزند علاءالدوله (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۰۵؛ خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳، ص ۷۸) سلطان احمد نواده الغ‌بیگ (سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۴۵) و محمد جوکی (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۸۳) میرزا شاهرخ پسر ابوسعید میرزا (خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳، ص ۱۰۱) امیرحسن صوفی ترخان برادر گوهرشاد (فصیح خوافی، ج ۳، ۱۳۳۹، ص ۲۸۸؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۵۳۹)^{۱۵} و محمد فرزند امیر محراب ترخان (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۶۲-۷۶۱)^{۱۶} در این مکان به خاک سپرده شدند. گرچه از احداث بقعه دیگری توسط گوهرشاد در قصبه کوسویه (کوسان) صحبت می‌شود (مستمندی، ۱۳۴۶، ص ۱۰-۸؛ سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۴۳)، این موضوع در منابع ذکر نشده است. این بقعه احتمالاً متعلق به گوهرشاد نبوده و به تومان آغا، از همسران تیمور که این قصبه به‌عنوان سیورغال بدو واگذار شده بود (Doerfer, 1963, I, 228)، تعلق داشته است. زیرا زمانی که حافظ ابرو از مورخان این دوره (وفات ۱۴۳۰م/۸۳۴ق) اثرش به نام زبده‌التواریخ بایسنقری را تحریر می‌کرد، تومان آغا هنوز در کوسویه اقامت داشت و حافظ ابرو، عمران و آبادنی رباط، خانقاه، مدرسه و دیگر آثار خیره‌ای را که وی پی‌افکنده بود، قید می‌کند (ابرو، ۴۷۸a؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱).

ملکت آغا دیگر همسر شاهرخ نیز از نظرگاه فعالیت‌های عمرانی از گوهرشاد عقب‌نماند، او، ضمن این‌که در جوار مزار خواجه چهل‌گزین^{۱۷} مدرسه‌ای احداث کرد (خواندمیر، برگ ۵۵۶a؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۴) در بلخ نیز مدرسه‌ای تأسیس



افزون بر آن، از تدریس قاضی زاده رومی و شخص الغ بیگ در این مدرسه روایت شده است (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵؛ خواجه سمرقندی، ۱۳۴۳، ص ۴۵). تعداد دانش پژوهانی که در مدرسه سمرقند تحصیل می کردند بیش از صد نفر بود (دولت شاه سمرقندی، ۱۹۰۱، ص ۳۶۲؛ نجاتی لوقال، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۴۲). هر شاخه ای از علم که اختیار می شد، اکثر اربابان آن فن در سمرقند اقامت داشتند. در علوم طبیعی هم عالمان بزرگی چون قاضی زاده رومی و علی قوشچی (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۱، ص ۲۳۶) که در کوچه و بازار همچون ترکها رفت و آمد می کردند و نیز غیاث الدین جمشید و معین الدین که الغ بیگ ایشان را از کاشان به سمرقند آورده بود، به چشم می خوردند (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۲). در دامنه تپه کوهک نیز رصدخانه ای ایجاد گردید (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۲ به بعد).^{۲۰} همچنین در روبه روی همان مدرسه

الغ بیگ در سال ۱۴۰۹م (۸۱۲ق) به بخارا رفت، در آن مدرسه اقامت گزید و در بین طلاب و اشخاص مستحق هدایای زیادی پخش نمود (حافظ ابرو، ۴۵۹b؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۳۹۲). در داخل شهر سمرقند نیز، در نزدیکی ارگ عالی و در موضعی که «سر دو اتیک» می گفتند، مدرسه ای ساخت که بنای آن در سال ۱۴۱۷م/۸۲۰هـ.ق شرع شد و در سال ۱۴۲۰م (۸۲۳ق) خاتمه یافت (حافظ ابرو، ۵۵۹a؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۱). الغ بیگ بعد از خاتمه بنای مدرسه سمرقند، مولانا خوافی محمد را به عنوان اولین مدرس آنجا تعیین کرد (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۰).^{۲۱} خود الغ بیگ همراه با اشخاصی دیگر، بعضی روزها در جلساتی که در مدرسه برپا می گردید، حاضر می شدند و به مباحث علمی می پرداختند (Aydin sayli, 1960, s91). بعضی اوقات بین الغ بیگ و طلاب مدرسه مباحثی در شاخه های مختلف علوم صورت می گرفت (Aydin sayli, 1960, s91).

کرد. وی وقتی در سال ۸۴۴م (۱۴۴۰ق) در کابل وفات یافت در آرامگاهی که به مدرسه خود متصل بود، مدفون گردید (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۵۱). این بانوی نیکوکار، به مانند احداث خانقاه دارالحدیث، دارالشفای (اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۴) و گرمابه ای که در هرات به وی نسبت داده می شود، در نه فرسخی هرات نیز در حد فاصل دره زنگی و چهل دختران^{۲۲} رباط وسیعی طرح انداخت (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۶۲۹).

الغ بیگ

الغ بیگ نیز اندک زمانی بعد از این که از طرف پدرش به حکومت ماوراءالنهر (۱۴۰۹م/۸۱۲ق) تعیین شد به فعالیت های عمرانی پرداخت. بنای مدرسه عالی بخارا که بر سر در آن حدیث «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ زَنْ مُسْلِمَانٍ وَاجِبٌ اسْت. بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. نوشته شده، در میان ابنیه ای که ساخت اولین مقام را داراست. موقعی که خود



خانقاه دیگری بنا گردید (عبدالرزاق، ۱۳۶۰، ص ۴۲۱؛ بابر، ج ۱، ص ۴۸).^{۳۶} الغیبیگ برای اداره مدرسه و خانقاه موقوفات هنگفتی چون کانال‌های آب و مراتع تخصیص داد و زمام امور آن دو بنا را به افراد مجرب واگذار کرد (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۱).^{۳۷}

در عهد الغیبیگ در جوار مدرسه و خانقاه تازه ساخت، گرمابه «میرزایان» نیز ساخته شد که بنا به نوشته بابر، کف آن با سنگ‌های متنوع و زیبا مفروش شده بود. تا آن زمان نظیر گرمابه میرزایان نه در سمرقند و نه در خراسان وجود نداشت (بابر، ج ۱، ص ۴۸). در غرب دامنه تپه کوهک نیز در باغی که «باغ میدان» نامیده می‌شد، چینی‌خانه‌ای ساختند و ظروف و اسبابی را که از چین آورده بودند، در آن قرار دادند.^{۳۸}

فرزندان شیخ عمر نیز که بر اصفهان و شیراز حاکم بودند، به‌رغم نزاع‌های طولانی با یکدیگر به فعالیت‌های عمرانی اهتمام ورزیدند. میرزا اسکندر که بلافاصله پس از مرگ تیمور راهی یزد شد، باروی قلعه را به باروی شهر متصل نموده خندقی کند و پلی متحرک در جلوی دروازه شهر برپا داشت و در اندرون قلعه نیز یک قصر عالی سه طبقه و حمام بنا کرد (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۲؛ جعفری، ۱۳۳۸، ص ۴۱). در سال ۸۱۴ق (۱۲-۱۱۱۱م) نیز وی، قلعه جلالی را در شیراز پی‌افکند و دستور داد در گرداگرد آن خندق عمیقی کنند. در اصفهان هم دودانگ و نقش جهان را از شهر جدا کرد و قلعه‌ای از آجر ساخت و خندق اطراف آن را پر از آب نمود. وی، بعد از این‌که در داخل دیوارهای قلعه، باروی دومی را اضافه کرد، عمارت‌های بزرگی نیز مثل گرمابه، بازار، مدرسه و دارالشفا در این محل ساخت. امرای وی نیز به تقلید از او عمارت‌هایی برای خویش

برآوردند (حسینی، ۳۰۲b؛ زریاب‌خویی، ۱۹۶۰، ص ۵۶).^{۳۹}

ابراهیم میرزا فرزند دیگر شاهرخ نیز وقتی بعدها والی‌گری فارس بدو واگذار شد، در سال ۸۳۶ق (۳۳-۱۴۳۲م) مدرسه و خانقاهی در شیراز احداث نمود (حسینی، ۳۱۲a؛ زریاب‌خویی، ۱۹۶۰، ص ۷۹). اما این مدرسه مدت مدیدی پایرجا نماند و در سال ۸۴۵ق (۴۲-۱۴۴۱م) به‌سبب بارندگی بی‌وقفه در فارس و جاری شدن سیل، خراب شد (حسینی، ۳۳۰a؛ زریاب‌خویی، ۱۹۶۰، ص ۱۱۱).^{۴۰}

برخی از مأموران و عمال دولتی نیز به فعالیت‌های عمرانی همت می‌گماشتند. علیکه ککلتاش اتابیک و بیگلربیگی شاهرخ، که در سال ۱۴۴۰م (۸۴۴ق) وفات یافت، مسجد جامعی بنا نهاد (بارتولد، ۱۹۳۰، ص ۱۰۴؛ خواجه ابوطاهر، ص ۵۱). که از آن جمله است آثار خیریه بسیاری که در مرو به نام وی باقی است. (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۱۳)، علاوه بر آن در کنار محله خیابان هرات بناهایی چون مدرسه،^{۴۱} خانقاه، و در دروازه عراق یک حمام رخت (عبدالله واعظ، ۱۳۵۱، ص ۸۷؛ سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۹۶) و رباطی نیز در ۵ فرسخی شرق هرات که تاکنون پایرجا مانده است، احداث کرد (خواندمیر، ۱۳۳۳،

ج ۳، ص ۶۲۹).

علیکه ککلتاش که در زمان مرگ بیش از ۹۰ سال داشت، در آرامگاهی، در جوار مدرسه‌ای که خود احداث نموده بود، مدفون گردید (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۴۶؛ خواندمیر، ج ۳، ص ۶۲۹).

می‌دانیم که مسجد جامع، مدرسه، خانقاه و باغی که جلال‌الدین فیروزشاه از امرای نامدار، در هرات پی‌افکنده بود، تا قرن ۱۶ پایرجا بودند (خواندمیر، ۴۶۵b؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۶). گفته می‌شود وی تأسیسات عام‌المنفعه و کاروان‌سراهای زیادی را برای استفاده عموم مردم در نواحی مختلفی ایجاد کرده بود (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۸۴۰).^{۴۲}

از دیگر امرای نامدار تیموری امیرشاه ملک بود-وی نخست اتابیک الغیبیگ بود، بعدها هم والی خوارزم شد. امیرشاه ملک زمانی که در هرات منصب اتابیکی داشت، در آن شهر مدرسه (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۲، ص ۴۲۳)، مسجد جامع (خواندمیر، ۴۵۶a؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۵) و باغی (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۲۳) ساخت و در جوار کوسویه نیز رباطی بنیاد نهاد (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۳۴؛ اسفزاری، ۱۳۳۹، ص ۵۶۹). او سرانجام در مدرسه‌ای که خود در نزدیک

ایرانی شمرده می‌شوند، لیکن از نظر عظمت و نیز نمای بیرونی برتر از نمونه‌های معماری ایرانی هستند. نخستین نوآوری مهم در معماری این دوره ارتفاع بناها و لعاب‌های درخشان بود که جهت مصارف عمومی به‌کار می‌رفت. برخلاف سبک‌های معماری ادوار سابق، به بزرگی و حجم داخلی گنبدها و منارها پرداختند، در عین حال سردر همه بناها با مقرنس‌کاری‌های قطره‌ای شکل و در کنار گنبدهای عریض و طویل، گنبدهای گلابی شکل با ویژگی‌های منحصر به فرد به‌کار برده شدند. استفاده از عناصر و اسلوب نوین بناسازی کاملاً در گنبدهای فوق‌العاده مرتفع به‌چشم می‌خورد. این نوع گنبد علاوه بر خاصیت حمل‌کننده‌اش، این فایده را داشت که به مکان‌هایی که در زیر آن بود، ارتفاع طبیعی می‌داد.

دیگر عنصر مهم معماری این عصر، وفور رنگ بود که تا آن زمان به این غنا نرسیده بود. چینی‌ها که قسمت اعظم و قابل توجه بنا را تزئین کرده بودند، خطوط و رنگ‌های زیبا و باشکوهی را عرضه می‌کردند. آثار برجسته معماری و ابنیه

ص ۹۸) و باغات (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۲۱۲) احداث نمودند و چاه‌های آب جاری ساختند (کاتب یزدی ۱۳۴۵، ص ۲۲۴؛ جعفری، ۱۳۳۸، ص ۱۵۹).

افزون بر آن، تعداد زیادی مسجد، مدرسه، رباط، خانقاه، پل، آرامگاه، گرمابه و بناهای عام‌المنفعه دیگری که متعلق به دوره‌های سلجوقیان و مغولان بود، در این عصر بازسازی شد و دگرباره مورد استفاده قرار گرفت. تعداد این آثار، بنا به گفته احمدبن حسین علی کاتب-ازمورخان این عهد- به هزار باب می‌رسید (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۸). شهر یزد در زمان تیموریان درخشان‌ترین دوره خود را تجربه کرد. زیبایی شهر به‌زودی شاهرخ را چنان دچار حیرت کرد که وی پس از قتل اسکندر بن شیخ عمر، زمانی که به شهر یزد رسید (۱۴۱۴م/۸۱۷ق) از بالای بلندی، شهر را نظاره کرده از یکایک ابنیه‌ای که دارای منظره زیبایی شده بودند، سؤال کرد که هر یک در چه موضعی است و بانی آن کیست (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۱۴۹).

اگرچه عمارت‌هایی که در دوره تیموریان ساخته شد جزو آثار معماری

بارگاه امام رضا در مشهد ساخته بود، به‌حاک سپرده شد (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۵۶۹).

روبه‌روی مدرسه‌ای که پریزاد، از زنان خدمتکار گوهرشادآغا، در مشهد بنا نهاده بود، یوسف خواجه بهادر بن شیخ علی بهادر از امرای نامدار عصر شاهرخ نیز در سال ۱۴۳۹م/۸۴۳ق مدرسه‌ای معروف به «مدرسه دو در» تأسیس کرد و خودش نیز در آرامگاهی که در جوار آن ساخته بود، دفن شد.

مدرسه پیر احمد خوافی (معروف به مدرسه غیاثیه)، از کارکنان دیوان مالیه در خرگرد که بنای آن از سوی قوام‌الدین معمار آغاز شد و به‌دست غیاث‌الدین معمار در سال ۱۴۴۴م/۸۴۸ق به اتمام رسید و به‌نام او مدرسه «غیاثیه» نام گرفت (Pope, II, 1127; مشکوتی، ۳۵۷)، همچنین مسجد جامعی (مشکوتی، ص ۳۵۸-۳۵۹) که پیر احمد در همان ایام در تأیید طرح انداخت و مسجد جامع (خواندمیر، ۶۷۷) و مدرسه (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۲، ص ۵۴۷) امیرچخماق در هرات در بین ابنیه باشکوه و برجسته این عصر قرار می‌گیرند.

این امیر مملوکی، یعنی امیرچخماق، هنگامی که در اردوی مملوکان بود به جغتایی‌ها پناهنده شد و در نزد جغتایی‌ها از جایگاه والایی برخوردار شد. وی با فاطمه سلطان دختر بایسنقر ازدواج کرد و خصوصاً به‌سبب اقامت طولانی در یزد به فعالیت‌های عمرانی زیادی دست زد. امیرچخماق و زوجه‌اش در یزد مسجد (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۷؛ جعفری، ۱۳۳۸، ص ۷۹)، کاروان‌سرا (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۷)، خانقاه (کاتب یزدی ۱۳۴۵، ص ۹۷؛ افشار، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۱۹۶)، گرمابه (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۹)، قنادخانه (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۹، آسیاب (کاتب یزدی ۱۳۴۵،



مسجد گوهرشاد، مشهد رضوی



احداث شده، هم از لحاظ فن معماری و هم از جهت تکمیل و توسعه تزئینات، درحقیقت با تلاش‌های معمار نامدار عصر استاد قوام‌الدین شیرازی به نقطه اوج خود رسید، به‌طوری‌که به پیدایش اصطلاح اروپائی «رنسانس تیموری» کمک کرد. عناصر این سبک معماری در قرن ۱۶م/۱۰ق به صفویان منتقل شد که تا امروز همواره از مشخصه‌های ویژه این سرزمین محسوب می‌شوند (رویمر، ص ۲۳۶-۲۳۷).

پی‌نوشت

۱. همچنین علاءالدوله و ابوسعید هم در این محل اقامت گزیدند (گویا اعتمادی، فصلی، ص ۲۷).
۲. قلعه در سال ۸۱۸ هـ. ق (۱۵۱۵ق) نیز به شدت تخریب شد (حافظ ابرو، همان، ۵۱۹a-b؛ عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۲۹۹ و به بعد).
۳. هنگامی که عبدالرزاق سمرقندی در سال ۱۴۷۰م به تألیف اثر خود مشغول بوده از آبادانی این دو بنا یاد کرده است (همان). خواندمیر (وفات ۱۵۳۵) نیز به تدریس آن چهار نفر در این مدرسه و آبادانی خانقاه اشاره کرده است (گویا اعتمادی، همان، ص ۱۵). امیر علیشیر نوایی، هم از تدریس برهان‌الدین عطاءالله رازینی- کسی که شعر می‌سرود و معما طرح می‌کرد- در زمان خویش در این مدرسه ذکر می‌کند (مجالس نفایس، ترجمه فارسی و تصحیح، علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۳ هـ. ش، ص ۴۴).
۴. گفته می‌شود شاهرخ هم مدرسه‌ای در مشهد تأسیس کرد (عبدالحمید مولوی، مسجدشاه، هنر مدرن ۱۳۴۷ هـ. ش) شماره ۷۴/۷۵، ص ۷۶-۷۵؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۴۴).
۵. از خانمی به نام مه‌ری که در منابع عصر شاهرخ به‌عنوان طیب حاذق شناخته شده و با گوهرشاد همسر شاهرخ رابطه صمیمی داشت (روضات‌الجنان، ج ۲، ص ۳۵؛ مجالس نفایس، ص ۲۱)، مولانا نظام‌الدین و محمدبن آدم نام برده می‌شود. فرد اخیر که اهل تایباد و فرد دینداری بوده بیمارانش را با تلقین مداوا می‌نموده است (بارتولد، الغیبیگ و زمان وی، ترجمه اقدس نعمت طاهر اوغلی، استانبول، ۱۹۳۰ ص ۱۱۷؛ سمرقندی، ص ۷۶۲؛ فصیح خوافی، مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، مشهد، ۱۳۳۹ هـ. ش، ص ۲۹۰).
۶. کتیبه‌های آن را بایسنقر میرزا نوشته است. درباره این کتیبه‌ها و دیگر ملحقات رک: نصرت‌الله مشکوتی، از سلاجقه تا صفویه، تهران، ۱۳۴۳ هـ. ش، ص ۵۳۰ و به بعد.
۷. تاریخ ساخت مسجد جامع روشن نیست اما احتمالاً

وفات یافت.

۱۵. گفته می‌شود بعدها الغیبیگ جسد پدرش را به سمرقند منتقل نمود و در مقبره‌ای که تیمور و بعضی از منسوبین خانواده‌اش در آن دفن شده بودند، به خاک سپرد (عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۹۶۰ و ۹۶۳؛ میرخواند، روضه‌الصفاء، تهران، ۱۳۳۸ هـ. ش، ج ۶، ص ۷۵۴؛ خواندمیر، حبیب‌السییر، ج ۴، ص ۲۹). درباره کتیبه سنگ قبر، رک:

A. A. Semenov, Gur-I Emir Turbesindeki Timur un ve Ahfadinin Mezar Kitabeleri, Cev Abdulkadir Inan, belleten (196), XXIV/93, s154v.vd.

در این مقاله انتقال جسد شاهرخ توسط پاینده بیگم دختر شاهرخ به سمرقند، گذاردن لحد و سنگ قبر توسط وی ذکر می‌گردد. هرچند سیمونف در بین منابع مورد ملاحظه از این دختر شاهرخ نام نمی‌برد (ص ۱۵۵) در معزالانساب نام این دختر شاهرخ را می‌بینیم (Birt.mus.or.467,13).

۱۶. در منابع از دفن گوهرشاد در این مکان صحبت می‌شود، حتی امروزه در بین منابع از دفن وی در هرات هم صحبت می‌شود. برای نمونه رک: میرخواند، همان، ج ۶، ص ۸۳۵؛ مدرسه گوهرشاد آغا که... مدفن مهدعلیا...

۱۷. عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۵۳۹. فصیح خوافی می‌گوید (همان، ص ۲۵۵) او در پنجم رجب سال ۸۲۷ (۳ ژوئن ۱۴۲۴) وفات یافت.

۱۸. درباره نقشه مقبره رک: A. Pope, Persian Art, II, 1135

۱۹. این مکان که در آن زمان در پشت باغ زاغان قرار داشت و به‌عنوان قبرستان شناخته می‌شد، امروزه رو به ویرانی نهاده است. برای توصیف این محل رک: سید اصیل‌الدین عبدالله واعظ، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصاد آمال خاقانیه، تصحیح مایل هروی، تهران، ۱۳۵۱ هـ. ش، ص ۴۵؛ همان، تصحیح فکری سلجوقی، کابل، ۱۹۶۷، ص ۵۹.

۲۰. در این مدرسه در اوایل قرن ۱۶ غیاث‌الدین بهار آبادی تدریس می‌کرد (خواندمیر، خلاصه‌الاکخبار، ۴۷۴a؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۴۹).

۲۱. زمانی که خواندمیر آثار خویش را تألیف می‌کرد درویش علی طیبی نیز در این محل تدریس و بیماران را معالجه می‌نمود (خواندمیر، خلاصه‌الاکخبار، ص ۴۷۴b؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۵۰).

۲۲. درباره این محل و توصیف آن رک: اسفزاری، همان، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲۳. برای وضعیت مدرسه در قرون بعدی رک: بارتولد، الغیبیگ و زمان وی، ص ۱۰۳.

۲۴. ... روزی در هرات مولانا علی قوشچی به هیئت و رسم ترکان جغتایی عجیب بر میان بسته...

۲۵. درباره فعالیت‌های رصدخانه سمرقند رک: Aydin Sayli, The Observatory in Islam, Ankara 1960, s. 260-289 Aydin Sayli, The Observatory in Islam, Ankara 1960, s. 260; ayni muellhf, Ulug Bey ve

این بنا همزمان با مدرسه گوهرشاد احداث شده است. زیرا از مرگ محمد الوند- کسی که به‌خاطر عزل شیخ شهاب‌الدین امام و کاتب این مسجد، جانشین وی گردیده بود در اثنای بیماری وبا که در سال ۱۴۳۵ روی داد- سخن به میان می‌آید (عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۶۴۷؛ فصیح خوافی، همان، ص ۲۷۵؛ خواندمیر، همان، ج ۴، ص ۱۳). درباره فعالیت‌های جعفر خطاط رک:

M. Kemal Ozergin, Temurlu Sanatma ait eski bir belge: Tebrizli Cafern Bir Arzio Istanbul Edebiyat Rakultesi, Sanat Tarihi yilligi (1976), VI, 471-518.

۸. پریراز، یکی از جاریه‌های گوهرشاد، نیز در مشهد مدرسه‌ای بنا نهاده بود (مشکوتی، همان، ص ۳۵۴). این مدرسه اکنون در داخل حرم رضوی قرار دارد.

۹. گویا اعتمادی، فصلی، ص ۱۷. علیشیر نوایی (مجالس النفایس، ص ۹۲-۹۱) از تدریس کمال‌الدین مسعود شیروانی در این مدرسه که در حدود ۱۰۰ نفر طلبه داشت (درباره وی رک: خواندمیر، حبیب‌السییر، ج ۴، ص ۳۴۳) می‌نویسد. کمال‌الدین مسعود به شاعری نیز متمایل بود و اشعارش موجود است.

۱۰. درباره نقشه مدرسه رک: Arthur Pope, A Survey of Persian Art, London-Newyork 1939, II, 1129.

۱۱. او در روز شنبه هفتم جمادی‌الاول سال ۸۳۷ (بیستم دسامبر ۱۴۳۳) وفات یافت (همان، ص ۶۵۷، فصیح خوافی، همان، ج ۳، ص ۲۷۲).

۱۲. درباره کتیبه رک: خیابان، ص ۱۹.

۱۳. بدین جهت فصیح خوافی (همان، ص ۲۸۹) مرگ وی را در روز جمعه ۱۲ شعبان سال ۸۴۴ (۶ ژانویه ۱۴۴۱) و خاک‌سپاری وی را در باغ امیرشاه ملک بیان می‌کند.

۱۴. فصیحی (همان، ص ۲۹۰) می‌نویسد که وی در روز پنج‌شنبه ۲۴ محرم سال ۸۴۵ (۱۱ حزیران ۱۴۴۱)

نجاتی لوقال، آنکارا، ج ۲، ۱۹۶۷.

۱۷. کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی. **تاریخ جدید یزد**، به تصحیح ایرج افشار، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵ هـ. ش.

۱۸. کوهستانی، مسعود. **تاریخ ابوالخیر خانی**، موزه بریتانیا، ضمیمه 324a-b-276.

۱۹. مستمندی، گویا، **بنایی به نام گوهرشاد در کوسان هرات**، آریانا (۱۳۴۶ هـ. ش)، شماره ۲۷۴.

۲۰. میرخواند، **روضه‌الصفاء**، تهران، ۱۳۳۸ هـ. ش.

۲۱. نوایی، امیر علیشیر. **مجالس نفایس**، ترجمه فارسی و تصحیح، علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۳ هـ. ش.

۲۲. واصفی هروی، **بدایع‌الوقایع** در تاریخ سمرقند، هرات، تاشکند، بخارا و بدخشان. به کوشش الکساندر بولدیرو، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ج ۱، ۱۳۴۹ هـ. ش.

۲۳. واعظ، اصیل‌الدین عبدالله. **مقصدالاقبال السلطانیه**، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۸.

۲۴. هروی، سیف‌بن محمد بن یعقوب، **تاریخ‌نامه هرات**، تصحیح محمد زبیر صدیقی، کلکته، ۱۹۴۴.

۲۵. یزدی، شرف‌الدین علی، **ظفرنامه**، تصحیح محمد عباسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۳۶ هـ. ش.

26. Aka, Ismail. XV. Yuzylin ilk yarisinda Timurlular;da Zirai ve Ticari faaliyetler, Tarih Enstitusu Dergisi (1979-80), X-XI, s117v. dv.

27. Aubin, Jean. Le Mecenat Timouride a Chiraz, studia Islamica (1957), VIII, 76.

28. Babur. Gazi Zahiruddin Muhammad. Vakayi, dogu Turkesinden ceviren Rasit Rahmati Arat, Ankara, I, 1943.

29. Doerfer, Turkische Und Mongolische Elemente im Neupersische, Wiesbaden, I, 1963.

30. Ozergin, M. Kemal. Temurlu Sanatina ait eski bir belge: Tebrizli Caferin Bir Arzio Istanbul Edebiyat Fakultesi, Sanat Tarihi yilligi (1976).

31. Pope, Arthur. A Survey of Persian Art, London-Newyork 1939.

32. Roemer, Hans Robet. Timurlular, I. A (islam ansiklopedisi), Istanbul, milli egitim basim evi, 1975.

32. Sayli, Aydin. Ulug bey ve Semerkanddeki ilim faaliyeti hakkında Giyasuddinini kasinin mektubu, Ankara 1960o metino s77 turkce terc, s91.

33. -----, The Observatory in Islam, Ankara 1960, s.260-289 Aydin Sayli, The Observatory in Islam, Ankara 1960.

آنها، خانه، مغازه و اراضی وقف نمود (حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، ۵۹۹b؛ عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۵۶۸ و به بعد).

۳۴. درباره وقف نامه آن رک: ایرج افشار، یادگارهای یزد، تهران، ۱۳۵۴ هـ. ش، ج ۲، ص ۱۶۲ و به بعد.

منابع

۱. ابرو، حافظ، **زبده‌التواریخ بایسنقری**، نسخه کتابخانه فاتح، شماره 4370/465a.

۲. ابن عربشاه. **عجایب‌المقدور فی نواب (اخبار) تیمور**. ترجمه فارسی، محمدعلی نجاتی، تهران، ۱۳۳۹ هـ. ش.

۳. اسفزاری، معین‌الدین زمجی. **روضات‌الجنت** **فی اوصاف مدینه هرات**. تصحیح محمدکاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۳۹ هـ. ش.

۴. افشار، ایرج. **یادگارهای یزد**، تهران، ج ۲، ۱۳۵۴ هـ. ش.

۵. الحسینی، جعفر بن محمد، **تاریخ کبیر**، کتابخانه عمومی لنینگراد - ترجمه به زبان آلمانی، عباس زریاب خوبی،

6. Der Berich uber Die Nachfolger Timurs aus dem Tarih-i J. Aubin, Le Mecenat, s75; Kabir des Gafari b. Muhammad al-husaini, maninz 1960-s56.

۷. الکاشفی، علی‌بن الوعظ. **رشحات عین‌الحیات**، تصحیح، علی‌اصغر معینیان، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی، ج ۱، ۲۵۳۶.

۸. بارتولد، **تذکره جغرافیایی ایران**، ترجمه فارسی، حمزه سردادور، تهران، انتشارات توس، ۱۳۰۸ هـ. ش.

۹. جعفری، جعفر بن محمد، **تاریخ یزد**، تصحیح ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸ هـ. ش.

۱۰. خواجه سمرقندی، ابوطاهر. **سرمایه**، تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۳ هـ. ش.

۱۱. خواندمیر، **فصلی از خلاصه‌الخبار**، تصحیح گویا اعتمادی، کابل، ۱۳۴۵ هـ. ش.

۱۲. _____ **حبیب‌السیر**، تصحیح محمد دبیرسیاقی و مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران، انتشارات خیام، ج ۴، ۱۳۳۳ هـ. ش.

۱۳. _____ **خلاصه‌الخبار**، کتابخانه ایاصوفیا، شماره 3190/465a.

۱۴. سلجوقی، فکری، خیابان، کابل، انجمن جامی، ۱۳۴۳ هـ. ش.

۱۵. سمرقندی، عبدالرزاق. **مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین**، تصحیح، محمد شفیع، لاهور، ۱۳۶۰، ص ۱۹۱-۱۹۰.

۱۶. سمرقندی، دولتشاه. **تذکره‌الشعرا**، تصحیح ادوارد براون، لیدن-لندن، ۱۹۰۱م، ص ۳۶۲؛ ترجمه ترکی،

Semerkand' deki ilim Faaliyeti hakkında Giyasuddin-i Kasinin mektubu, s7-31; Ulug Bey ve Zamanios 110 v. vd.

۲۶. «گنبد خانقاه فوق‌العاده بزرگ است. می‌گویند هیچ گنبدی در عالم به بزرگی آن وجود ندارد».

۲۷. مؤلف زیاد بودن درآمد موقوفه نسبت به مخارج آن و جمع‌آوری کردن پول را در آنجا بیان می‌کند.

۲۸. برای توصیفات این بنا رک: بابر، همان، ص ۴۹. ولی این‌جا در زمان الغیبیگ، در سال ۸۵۲ (۱۴۴۸) در زمان اقامت در خراسان، توسط اوزبکان غارت و تخریب شد (عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۹۵۸ و به بعد؛ اسفزاری، روضات‌الجنت، ج ۲، ۱۴۴). درحالی‌که مسعود کوهستانی مورخ ابوالخیر (تاریخ ابوالخیرخانی، موزه بریتانیا، ضمیمه 324a-b (188,324a-b) از اقدام ابوالخیرخان در ممانعت از غارت آن‌جا و ملاقات او با اهالی سمرقند صحبت می‌کند. درباره آثار الغیبیگ در سمرقند رک: الغیبیگ و زمان وی، ص ۱۰۱ و به بعد.

۲۹. در بین بناهای ساخته شده در اصفهان در این دوره از بیوت‌الشتا (لطف‌الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تهران ۱۳۵۰ هـ. ش، ص ۱۲۱ و به بعد) و تالار تیموری (همان، ص ۳۲۷) که توسط عمادبن مظفر ورزنی به سال ۸۵۱ (۱۴۴۷) احداث شده‌اند ذکر می‌شود. اما این‌که این آثار به‌دستور کی بنا شده است، معلوم نیست.

۳۰. کتیبه‌های مدرسه را خود ابراهیم سلطان نوشته بود (قاضی احمد قمی، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران ۱۳۵۲ هـ. ش، ص ۳۰).

۳۱. تاریخ ساخت مدرسه بایسنقری پیش از سال ۸۳۸ (۳۵-۱۳۴۳) باشد، زیرا در این تاریخ نورالله الخوارزمی که در آن‌جا تدریس می‌کرد (درخصوص وی رک: مقصدالاقبال سلطانیه، تصحیح مایل هروی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۵۱، ص ۸۳-۸۳؛ همان، تصحیح فکری سلجوقی، همان، ص ۹۱-۹۰؛ خواندمیر، حبیب‌السیر، ج ۳، ص ۱۳) وفات نمود (مجموع فصیحی، ص ۲۷۵) خواندمیر، هنگام ذکر دو مدرس این مدرسه در زمان خودش (خلاصه‌الخبار، ۴۷b؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۲۱) از یکی از این دو به نام امیر شمس‌الدین محمدبن یوسف نام می‌برد (همان، ۴۷۲a؛ گویا اعتمادی، همان، ص ۴۳) از پابرجا بودن خانقاه و مدرسه تا اوایل قرن بیستم صحبت می‌شود (فکری سلجوقی، رساله مزارات هرات، کابل، ص ۱۹۶۷، ص ۱۸۸، شماره ۲).

۳۲. امیر مذکور، در آرامگاهی واقع در جوار مدرسه‌ای در اطراف پل انجیل به خاک سپرده شد. شیخ محمد قیرنگی از مدرسان آن در سال ۸۳۸ وفات یافت (مجموع فصیحی، ص ۲۷۶).

۳۳. درباره آرامگاهی که اینک در جوار بارگاه امام رضا بدو نسبت داده می‌شود رک: عبدالحمید مولوی، مسجدشاه یا مقبره امیر غیاث‌الدین ملک‌شاه (هنر مدرن (۱۳۴۷)، شماره ۷۴/۷۵، ص ۹۲-۷۵) او در مناطق مختلف قلمرو تیموریان سی بنای عام‌المنفعه شامل مسجد، مدرسه، خانقاه، رباط و حوض بنا نهاد و برای